



مبارزه علمی برای جوانان، زنده کردن روح جست‌وجو و کشف واقعیتهاست. «امام خمینی (ره)»

دفترچه سؤالات مرحله دوم سی‌وهشتمین دوره المپیاد ادبی سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴

تاریخ: ۱۴۰۴/۱/۳۱ - ساعت: ۱۴:۰۰ - مدت: ۱۵۰ دقیقه - نوع: چندگزینه‌ای

توضیحات مهم

- ۱- بلافاصله پس از آغاز آزمون، تعداد سؤالات داخل دفترچه و همه برگه‌های دفترچه سؤالات را بررسی نمایید. در صورت هرگونه نقص در دفترچه، در اسرع وقت مسئول جلسه را مطلع کنید.
- ۲- یک برگ پاسخ‌برگ در اختیار شما قرار گرفته که مشخصات شما بر روی آن نوشته شده است. در صورت نادرست بودن آن، در اسرع وقت مسئول جلسه را مطلع کنید. ضمناً مشخصات خواسته‌شده در پایین پاسخ‌برگ را با مداد مشکی بنویسید.
- ۳- برگه پاسخ‌برگ را دستگاه تصحیح می‌کند؛ پس آن را تا نکنید و تمیز نگه دارید و به علاوه، پاسخ هر پرسش را با مداد مشکی نرم در محل مربوط علامت بزنید. لطفاً خانه مورد نظر را کاملاً سیاه کنید.
- ۴- دفترچه سؤال باید همراه پاسخ‌برگ تحویل داده شود.
- ۵- پاسخ درست به هر پرسش ۳ نمره مثبت و پاسخ نادرست ۱ نمره منفی دارد.
- ۶- شرکت‌کنندگان در دوره تابستانی از بین دانش‌آموزان دهم و یازدهم انتخاب می‌شوند.
- ۷- از مخدوش کردن بازکدها و مربع‌ها در چهارگوشه صفحه در دفترچه پاسخ‌برگ جداً خودداری کنید. در غیر این صورت برگه شما تصحیح نخواهد شد.
- ۸- همراه داشتن هر گونه کتاب، جزوه، یادداشت و لوازم الکترونیکی نظیر تلفن همراه، ساعت هوشمند، دستبند هوشمند و لپتاپ ممنوع است. همراه داشتن این قبیل وسایل حتی اگر از آن استفاده نکنید یا خاموش باشد تقلب محسوب خواهد شد.
- ۹- این دفترچه شامل ۱۰۰ پرسش و با احتساب جلد ۱۵ برگ است.

۱. توضیح کدام گزینه درست است؟

(۱) هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی برکشد/ وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای: به سبب شگفت‌زدگی، دست از نقاشی کشیده‌ای.

(۲) چه استبعادی دارد که عمری باشد و روزی خاطراتی از سفر ماه هم بنویسم: بعید نیست.

(۳) هر که داند گفت با خورشید راز/ کی تواند ماند با یک ذره باز: هیچگاه نمی‌تواند شبیه یک ذره باشد.

(۴) به من دخلی ندارد. ماشاءالله هفت قرآن به میان پسرعموی خودت است: سوگند به هفت قرآن.

۲. کدام گزینه درباره شعر پروین اعتصامی درست است؟

(۱) عمده شعرهای معروفش در قالب غزل سروده شده است.

(۲) شیوه مناظره در قطعات او برجسته است.

(۳) گرایش به استعاره‌پردازی جزو شاخص‌های شعری اوست.

(۴) مضامین عاشقانه در شعر او با نگاهی مدرن و امروزی سروده شده است.

۳. مصداق استعاره در کدام گزینه متفاوت است؟

(۱) از سیم به سر یکی کله خود/ ز آهن به میان یکی کمر بند

(۲) شو منفجر ای دل ز مانه/ وان آتش خود نهفته مپسند

(۳) تا درد و ورم فرو نشیند/ کافور بر آن ضماد کردند

(۴) برکش ز سر این سپید معجز/ بنشین به یکی کبود اورند

۴. کدام عبارت متن «بخارای من ایل من» با اصل قصیده رودکی منطبق نیست؟

(۱) ریگ آموی پرنیان شد

(۲) آب جیحون فرونشست

(۳) بوی جوی مولیان مدهوشم کرد

(۴) به سوی بخارا بال‌وپر گشودم

۵. بخش مشخص شده در کدام گزینه ممیز نیست؟

(۱) دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ

(۲) مشتاقم از برای خدا یک شکر بخند

(۳) یک لاله‌زار نسخه سودا نوشته‌ایم

(۴) یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است

۶. با توجه به شعر «خوان هشتم»، سروده مهدی اخوان ثالث، کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) رستم می‌توانست از چاه بیرون بیاید، ولی بهتر دید در ته چاه بمیرد.
- (۲) شاعر در این شعر ناجوانمردی و خیانت را به‌مثابه خوان هشتم در نظر گرفته است.
- (۳) نقال در ابتدای شعر همان راوی شعر است و در ادامه با مهدی اخوان ثالث در برخی بندها یکی می‌شود.
- (۴) شاعر شعر «خوان هشتم» روایت شاهنامه را با روزگار خود تطبیق داده و روزآمد کرده است.

۷. شعر «آی آدم‌ها» از نیما یوشیج کدام یک از بیت‌های زیر را تداعی می‌کند؟

- (۱) به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید/ که سالک بی‌خبر نبود ز راه و رسم منزل‌ها
- (۲) شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل/ کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها
- (۳) مرا در منزل جانان چه امن عیش چون هر دم/ جرس فریاد می‌دارد که بر بندید محمل‌ها
- (۴) همه کارم ز خودکامی به بدنامی کشید آخر/ نهان کی ماند آن رازی کز آن سازند محفل‌ها

۸. یکی از درون‌مایه‌های کلیدی شعر حافظ تقابلی میان عوالم زهد و پارسایی با عالم رندی است؛ در کدام بیت،

این درون‌مایه دیده نمی‌شود؟

- (۱) صلاح کار کجا و من خراب کجا/ بین تفاوت ره کز کجاست تا به کجا
- (۲) بشد که یاد خوشش باد روزگار وصال/ خود آن کرشمه کجا رفت و آن عتاب کجا
- (۳) دلم ز صومعه بگرفت و خرقة سالوس/ کجاست دیر مغان و شراب ناب کجا
- (۴) چه نسبت است به رندی صلاح و تقوی را/ سماع و عظم کجا نغمه رباب کجا

۹. در کدام بیت، بر مقدر بودن عشق و مستی تأکید نشده است؟

- (۱) ملاتم به خرابی مکن که مرشد عشق/ حوالتم به خرابات کرد روز نخست
- (۲) حافظ به خود نپوشید این خرقة می‌آلود/ ای شیخ پاکدامن معذور دار ما را
- (۳) مگر گشایش حافظ درین خرابی بود/ که بخشش از لش در می‌مغان انداخت
- (۴) از آن به دیر مغانم عزیز می‌دارند/ که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست

۱۰. کدام آرایه در بیت زیر دیده نمی‌شود؟

از خیال لطف می‌مشاطه چالاک طبع/ در ضمیر برگ گل خوش می‌کند پنهان گلاب

- (۱) تشبیه پنهان (مضمّر) (۲) حسن تعلیل (۳) تشبیه بلیغ (۴) لف و نشر

۱۱. همنشینی برخی کلمات در شعر فارسی آنقدر مکرر شده است که نوعی باهم آیی معنادار ساخته و سنتی شعری پدید آورده است، از جمله همنشینی «آه» و «آینه» که در بیت زیر آمده است:

حافظ عروس طبع مرا جلوه آرزوست / آینه‌ای ندارم از آن آه می‌کشم

در کدام بیت، چنین ارتباطی بین دو واژه مشخص شده وجود ندارد؟

(۱) کی دهد دست این غرض یا رب که همدستان شوند / خاطر مجموع ما زلف پریشان شما

(۲) به بوی نافه‌ای کاخر صبا زان طره بگشاید / ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دل‌ها

(۳) مرغ دل را صید جمعیت به دام افتاده بود / زلف بگشادی ز شست ما بشد زنجیر ما

(۴) ساغر می بر کفم نه تا ز بر / برکشم این دلق ازرق فام را

۱۲. توضیح کدام گزینه درست است؟

(۱) ای صبا گر به جوانان چمن بازرسی / خدمت ما برسان سرو و گل و ریحان را: سرو و گل و ریحان را نزد ما بیاور.

(۲) آنکه ناوک بر دل من زیر چشمی می‌زند / قوت جان حافظش در خنده زیر لب است: با خنده زیر لب خود حافظ را می‌گشود.

(۳) کس به دور نرگست طرفی نیست از عافیت / به که نفروشد مستوری به مستان شما: بهتر است که در برابر چشمان شما تظاهر به مستی نکنند.

(۴) در شگفتم که درین مدت ایام فراق / برگرفتی ز حریفان دل و دل می‌دادت: مهر از یاران بریدی و دلت اجازه می‌داد.

۱۳. در کدام گزینه «که» با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

(۱) چون پیاله دلم از توبه که کردم بشکست / همچو لاله جگرم بی می و پیمانہ بسوخت

(۲) نخفته‌ام ز خیالی که می‌پزم شبهاست / خمار صد شبه دارم شرایخانه کجاست

(۳) اساس توبه که در محکمی چو سنگ نمود / بین که جام زجاجی چه طرفه‌اش بشکست

(۴) نبود رنگ دو عالم که نقش الفت بود / زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت

۱۴. کدام بیت حسن تعلیل ندارد؟

(۱) شمع اگر زان رخ خندان به زبان لافی زد / پیش عشاق تو شبها به غرامت برخاست

(۲) در چمن باد بهاری ز کنار گل و سرو / به هواداری آن عارض و قامت برخاست

(۳) مست بگذشتی و از خلوتیان ملکوت / به تماشای تو آشوب قیامت برخاست

(۴) پیش رفتار تو پا برنگرفت از خجلت / سرو سرکش که به ناز قد و قامت برخاست

۱۵. بخش مشخص شده در کدام گزینه ترکیب وصفی یا اضافی نیست؟

- (۱) بارگاهی بدو نمود بلند/ گسترش های بارگاه پرند
- (۲) قصه خود یگان یگان برگفت/ کرد پیدا بر او حدیث نهفت
- (۳) راه چون از حساب خانه گذشت/ تیر اندیشه از نشانه گذشت
- (۴) عاجز و یاوه گشته زان در غار/ بر پر آن پرنده گشت سوار

۱۶. با توجه به این بیت کدام گزینه صحیح است؟

راستی را بقا کلید آمد / معجز از سحر از آن پدید آمد

- (۱) بقای راستی کلید است.
- (۲) راستی بقا کلید است.
- (۳) بقا کلید راستی است.
- (۴) کلید بقا راستی است.

۱۷. در کدام گزینه جواب شرط (جمله هسته) حذف شده است؟

- (۱) گر دلت بودی آن زمان برجای/ نشدی خاطرت خیال نمای
- (۲) گر خبر باز دادی از رازم/ ورنه حالی سرت بیندازم
- (۳) گفت: به گر به شب بر آسایم/ کز شب آشفته می شود رایم
- (۴) گر بدین شادی ای غلام تو من/ کنم این جمله را به نام تو من

۱۸. در کدام گزینه، واژه مشخص شده به درستی معنی شده است؟

- (۱) کرده بر وی نشستگاهی چست/ تخت بسته به تخته های درست (چست: چابک)
- (۲) امشب از چشم بد هراسان باش/ همه شب های دیگر آسان باش (آسان: آسوده)
- (۳) رفت و بر بزمگاه خاص نشست/ دیگران را نشانند هم بر دست (دست: فرمان)
- (۴) باده از دست ساقی مستان/ کآورد سیکی به صد دستان (مستان: ناهشیار)

۱۹. واژه مقابل کدام بیت را باید با تشدید خواند؟

- (۱) چون شد آگه که آن فواره نور/ تابد از ماه و ماه از آنجا دور...: فواره
- (۲) زلف شب چون نقاب مشکین بست/ شه ز نقابی نقیبان رست: نقابی
- (۳) زشت باشد که پیش چشمه نوش/ در گشاید دکان سرکه فروش: دکان
- (۴) دیده بگشاد بر نظاره راه/ گرد بر گرد خویش کرد نگاه: نظاره

۲۰. توضیح کدام بیت درست آمده است؟

- (۱) گشت ماهان ز بیم او لرزان/ تخمی افشانند چون کشاورزان: ماهان با شک و تردید همچون برزگران به کشت‌وکار مشغول شد.
- (۲) دیده مردم خیال‌پرست/ از فریب خیال‌بازی رست: شب خیال‌انگیز به پایان رسید و دیدگان از خواب بیدار شد.
- (۳) بازماندن ز راه روی نداشت/ ره نه و رهروی فرونگذاشت: روی بازگشتن از راه را نداشت و راه و رهروی را رها نکرد.
- (۴) گفت بردم به خویشتن لاحول/ که شدی ایمن از هلاک دو هول: به خود لاحول گفت و از بیم دو غول آسوده شد.

۲۱. در کدام بیت علامت سؤال گذاشته شده زاید است؟

- (۱) گشت پیدا ز کوهپایه پست/ ساده‌دستی، چگونه؟ چون کف دست
- (۲) آنهمه رغبت چه بود نخست؟/ وین زمان رغبت چرا شد سست؟
- (۳) ماند بیخود دران ره افتاده/ چون کسی خسته؟ بلکه جان‌داده
- (۴) گفت چون آمدی بدین هنگام/ نه رفیق و نه چاکر و نه غلام؟

۲۲. کدام گزینه درباره داستان ماهان درست است؟

- (۱) در تمام طول داستان ماهان شب‌ها را می‌خواهد و روزها در حرکت است.
- (۲) افسانه ماهان دلالت دارد بر نکوهش دنیا و لذت‌های دنیوی.
- (۳) در تمام طول داستان ماهان روزها را می‌خواهد و شب‌ها گرفتار خیال می‌شود.
- (۴) افسانه ماهان دلالت دارد بر سختی‌ها و فرازونشیب‌های دنیوی.

۲۳. توضیح کدام بیت از داستان کنیزک و پادشاه نادرست است؟

- (۱) گفت من آن آهوم کز ناف من/ ریخت آن صیاد خون صاف من: از زبان زرگر است.
- (۲) زآنک عشق مردگان پاینده نیست/ زانکه مرده سوی ما آینده نیست: از زبان کنیزک است.
- (۳) گر خضر در بحر کشتی را شکست/ صد درستی در شکست خضر هست: در توصیف طیب است.
- (۴) کوزه بودش آب می‌نامد به دست/ آب را چون یافت خود کوزه شکست: در توصیف شاه است.

۲۴. کدام بیت از جنس قیاس طوطی در داستان طوطی و بقال نیست؟

- (۱) هر دو صورت گر به هم ماند رواست / آب تلخ و آب شیرین را صفاست
- (۲) گفت اینک ما بشر اینان بشر / ما و ایشان بسته خوابیم و خور
- (۳) هر چه مردم می‌کند، بوزینه هم / آن کند کز مرد بیند دم بدم
- (۴) هر یکی سوی مقام خود رود / هر یکی بر وفق نام خود رود

۲۵. توضیح کدام گزینه درست است؟

- (۱) تا سمرقند آمدند آن دو رسول / از برای زرگر شنگ فضول: دو فرستاده برای زرگر ابله و بی‌شرم و مداخله‌گر به سمرقند رفتند.
- (۲) آن کسی را کش چنین شاهی کشد / سوی بخت و بهترین جاهی کشد: کسی که چنین شاهی را بکشد، خوشبخت خواهد شد.
- (۳) از وی ار سایه نشانی می‌دهد / شمس هر دم نور جانی می‌دهد: اگرچه سایه نشان از آفتاب دارد، اما خورشید بدون نیاز به هیچ نشانی خود حیات‌بخش است.
- (۴) تو گمان بردی که کرد آلودگی / در صفا غش کی هلد پالودگی: ناخالصی اجازه نمی‌دهد که پاکی و خلوص در کار بیاید.

۲۶. با توجه به داستان پادشاه و کنیزک توضیح کدام گزینه درست است؟

- (۱) این ندارد آخر از آغاز گو / رو تمام این حکایت بازگو:
- این بیت نشان می‌دهد که مولوی در این داستان از شیوه داستان‌های تودرتو استفاده کرده است.
- (۲) کاش کان هم ننگ بودی یکسری / تا نرفتی بر وی آن بدداوری:
- مولوی در این بیت نشان می‌دهد که سرنوشت زرگر را نمی‌پذیرد و آن را ناعادلانه می‌داند.
- (۳) آنکه کشتستم پی مادون من / می‌ندانند که نخسبد خون من:
- مولوی در این بیت با زرگر همدستان است و گناه خون او را بر گردن پادشاه می‌داند.
- (۴) آن گل سرخست تو خونش مخوان / مست عقلست او تو مجنونش مخوان:
- مولوی اذعان دارد که اگر نمادین بودن شخصیت‌ها را در نظر نگیریم، داستان غیرعقلانی خواهد بود.

۲۷. تمثیل به‌کاررفته در کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) در دهان زنده خاشاکی جهد / آنکه آرامد که بیرونش نهد
- (۲) پوست را بشکافت و پیکان را کشید / پوست تازه بعد از آتش بر دمید
- (۳) کرد ویران خانه بهر گنج زر / وز همان گنجش کند معمورتر
- (۴) قلعه ویران کرد و از کافر ستد / بعد زآن بر ساختش صد برج و سد

۲۸. برداشت از کدام بیت درست است؟

- (۱) خار در پیراهن فرزانه می‌ریزیم ما/ گل به دامن بر سر دیوانه می‌ریزیم ما: نکوهش غفلت
- (۲) در خطرگاه جهان فکر اقامت می‌کنیم/ در گذار سیل رنگ خانه می‌ریزیم ما: نکوهش دنیا دوستی
- (۳) قطره گوهر می‌شود در دامن بحر کرم/ آبروی خویش در میخانه می‌ریزیم ما: ستایش فروتنی
- (۴) در دل ما شکوه خونین نمی‌گردد گره/ هرچه در شیشه است در پیمان می‌ریزیم ما: ستایش رازداری

۲۹. کدام بیت از نظر وزنی درست است؟

- (۱) فراموشی ز فراموشی تو می‌خیزد/ اگر تو یاد کنی ما هم یاد می‌کنیم تو را
- (۲) تو با شکستگی پا قدم به راه گذار/ که ما به جاذبه امداد می‌کنیم تو را
- (۳) چو جام اول مینا سپهر سنگدل/ به خاک راهگذر ریخت ناچشیده مرا
- (۴) رهین وحشت خویشم که می‌برد همه عمر/ به سیر عالم دگری دل رمیده مرا

۳۰. توضیح کدام گزینه درست است؟

- (۱) هیچ کار از سعی ما چون کوهکن صورت نیست/ وقت آن کس خوش کزو آثار می‌ماند به جا: هیچ یک از تلاش‌های ما به عکس کارهای فرهاد کوهکن به سرانجامی نرسید.
- (۲) خواهد کمان هدف را پیوسته پای بر جا/ زان درنیارد از پا چرخ کبود ما را: کمان، پیوسته و با تمام وجود در پی هدف است.
- (۳) بی‌حاصلی ز سنگ ملامت بود حصار/ چون سرو و بید از ثمر آزاد کن مرا: حصار پیرامون من به سبب بی‌اعتنایی به ملامت‌هاست.
- (۴) با قد خم ز عمر اقامت طمع مدار/ در آتش است نعل کمان کشیده را: با وجود پیری و قامت خمیده، انتظار راست‌کرداری از زمانه نداشته باش.

۳۱. کدام بیت اسلوب معادله دارد؟

- (۱) نیست از کردار ما بی‌حاصلان را بهره‌ای/ چون قلم از ما همین گفتار می‌ماند به جا
- (۲) عیش شیرین را بود در چاشنی صد چشم شور/ برگ صائب بیشتر از بار می‌ماند به جا
- (۳) آه افسوس و سرشک گرم و داغ حسرت است/ آنچه از عمر سبک‌فتر می‌ماند به جا
- (۴) زنگ افسوسی به دست خواجه هنگام رحیل/ از شمار درهم و دینار می‌ماند به جا

۳۲. در علم عروض، «سکته» اختلالی کوچک اما مجاز است که با تبدیل دو هجای کوتاه به یک هجای بلند در میانه‌های مصراع ایجاد می‌شود. در کدام بیت سکته وزنی رخ داده است؟

- (۱) تختۀ مشق نقش‌ها کرده‌است / همچو آینه لوح ساده مرا
- (۲) درین حدیقه گل صائب از مروت نیست / که غنچه ماند در جیب دست رغبت ما
- (۳) آینه‌های روشن گوش و زبان نخواهند / از راه چشم باشد گفت و شنود ما را
- (۴) چون خواب اگرچه رخت اقامت فکنده‌ایم / تا چشم می‌زنی به هم افسانه‌ایم ما

۳۳. مصراع نخست بیت زیر کدام است؟

..... / چون جرس گلبانگ عشرت در سفر باشد مرا

- (۱) منزل آسایش من محو در خود گشتن است
- (۲) از گران‌سنگی نمی‌جنبم ز جای خویشتن
- (۳) باده نتواند برون بردن مرا از فکر یار
- (۴) سرمه خاموشی من از سواد شهرهاست

۳۴. در کدام بیت تشبیه استخدامی (استخدام از طریق وجه شبه) دیده نمی‌شود؟

- (۱) نداد عشق گریبان به دست کس ما را / گرفت این می پرزور چون عسس ما را
- (۲) چون خامه سبک مغز از بی حضوری دل / شد بیش روسیاهی در هر سجود ما را
- (۳) دانسته‌ام غرور خریدار خویش را / خود همچو زلف می‌شکنم کار خویش را
- (۴) در نظر وا کردنی طی شد بساط زندگی / چون شرر در نقطه آغاز بود انجام ما

۳۵. کدام بیت به خطا معنی شده است؟

- (۱) گر خاک بدان دست یک استیر بگیرد / گوگرد کند سرخ به گفتار و به کردار (= اگر مقدار یک سیر خاک هم با آن دست بگیرد، با گفتار و کردار خود کیمیا می‌کند)
- (۲) کشتی حسنات و ثمراتش بدرودی / دشوار تو آسان شد و آسان تو دشوار (= کارهای نیک را همچون گیاهی کاشتی و از محصول آن صرف نظر کردی، کار سخت و آسان در نظر تو یکسان شد)
- (۳) با ملک چه کارست فلان را و فلان را / خرس از در گلشن نه و خوک از در گلزار (= هرکسی لایق پادشاهی نیست و خرس و خوک هم سزاوار گلستان و گلزار نیستند)
- (۴) بانگشت خطی گرد گل اندر بنبشتم / گفتم که شما را نبود زین پس بازار (= در اطراف گل [سر خمره] با انگشت خطی کشیدم و با این کار خواستم که دیگر رونق و اعتباری نداشته باشید)

۳۶. کدام گزینه نادرست معنی شده است؟

- (۱) همتم دامنی کشد ز شرف/ هر کجا چرخ را گریبانی ست (= پایین ترین سطح همتم از بالاترین مرتبه چرخ بلندتر و از آن بی نیاز است)
- (۲) طبع و دل خنجری و آینه‌ای ست/ رنج و غم صیقلی و افسانی ست (= خاطر تیز و دلم مصفاست و رنج و غم هم موجب بهتر شدن طبع و دلم هستند)
- (۳) اندوه بوته تو نهاده/ واندیشه آتش تو دمیده (= غم و غصه برایت خاشاک گرد کرده و ترس و بیم آن را آتش زده است)
- (۴) چشمت ز گریه جوی گشاده/ جسمت ز ناله زر کشیده (= چشمت بسیار گریان است و تنت هم از ناله لاغر شده است)

۳۷. درباره سه قصیده رودکی که مطالعه کرده‌اید، کدام گزینه درست است؟

- (۱) پرهیز آشکار از به کار بردن لغت‌های عربی
- (۲) وزن‌های نامأنوس که در شعر شاعرانی چون حافظ و صائب کنار گذاشته شد
- (۳) یادکرد یا ستایش حاکمان و امیران محلی
- (۴) تضرع و خاکساری در برابر معشوق

۳۸. توضیح مقابل کدام بیت درست است؟

- (۱) ساقی گزین و باده و می خور به بانگ زیر/ کز کشت سار نالد و از باغ عندلیب: «زیر» صفت است در مقابل «بالا».
- (۲) هر چند نوبهار جهان است به چشم خوب/ دیدار خواجه خوب‌تر آن مهتر حسیب: «حسیب» ممال «حساب» است.
- (۳) خورشید را ز ابر دمد روی گاه‌گاه/ چونان حصارایی که گذر دارد از رقیب: «رقیب» به معنای «نگهبان» است.
- (۴) نفاط برق روشن و تندرش طبل‌زن/ لشکرش ابر تیره و باد صبا نقیب: «نقیب» به معنای «جاسوس» است.

۳۹. کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) در بیت «ورچه دو صد تابعه فریشته داری/ نیز پری باز و هرچه جَنّی و شیطان» سخن بر سر پیروان و شاگردان شاعر است.
- (۲) در بیت «طلعت تابنده‌تر ز طلعت خورشید/ نعمت پاینده‌تر ز جودی و ثهلان» نام دو کوه معروف برده شده است.
- (۳) در بیت «زهره کجا بودمی به مدح امیری/ کز پی او آفرید گیتی یزدان» یک بار اختیار وزنی رخ داده است و در نتیجه، تعداد هجاهای مصراع دوم کمتر از تعداد هجاهای مصراع اول شده است.
- (۴) در بیت «سرش رسیده به ماه بر به بلندی/ و آن معادی به زیر ماهی پنهان»، «آن» به جای «سر» به کار رفته است و به صورت مضاف خوانده می‌شود.

۴۰. کدام گزینه مناسب جای خالی است؟

«... یکی جوژگک از خایه بجسته / چون جوژگان بر تن او موی برسته»

(۱) آبی چو (۲) وان نار (۳) نارنج (۴) وان سیب

۴۱. در کدام گزینه، مرجع ضمیر مشخص شده به درستی بیان شده است؟

(۱) بسا نگار که حیران بدی بدو در چشم / به روی او در چشمش همیشه حیران بود (نگار)

(۲) داد بیابد ضعیف همچو قوی زوی / جور نبینی به نزد اوی و نه عدوان (قوی)

(۳) بداد میر خراسانش چل هزار درم / در او فزونی یک پنج میر ماکان بود (میر خراسان)

(۴) زفت شود راد و مرد سست دلاور / گر بچشد زوی و روی زرد گلستان (مرد سست)

۴۲. سه بیت زیر را در ابتدای یکی از قصیده‌های منوچهری خوانده‌اید. بنا بر آن‌ها، این قصیده می‌تواند به مناسبت

کدام جشن ایرانی سروده شده باشد؟

برآمد ز کوه ابر مازندران / چو مار شکنجی و ماز اندر آن

بسان یکی زنگی حامله / شکم کرده هنگام زادن گران

همی زاد این دخترش سرسپید / چو پیران فرتوت پنبه‌سران

(۱) نوروز (۲) تیرگان (۳) مهرگان (۴) بهمنجانه

۴۳. توضیح کدام گزینه غلط است؟

(۱) روز در چشم من چو اهرمنی ست: روز و روزگارم سیاه است.

(۲) [مرا] چون بنفشه ز زخم کف رانی ست: از سیلی ران [من] کبود است.

(۳) بند بر پای من چو ثعبانی ست: پایم گرفتار زنجیر است.

(۴) [دلم] سختن فضل را چو میزانی ست: سنجش دانش بر [دلم] سخت و دشوار است.

۴۴. گوینده کدام گزینه متفاوت است؟

(۱) اگر شنوده آمدی و خلیفت ما بودی و آنچه خواسته بودیم در وقت بفرستادی ما با وی به هیچ حال مضایقت نکردیمی.

(۲) اگر به آخر عمر چنین یک جفا واجب داشت و اندرین او را غرضی بود، بدان هزار مصلحت باید نگریست که از آن ما ننگه داشت.

(۳) اگر اول که ما قصد این دیار کردیم و رسول فرستادیم و حجت گرفتیم آن ستیزه و لجاج نرفته بودی این چشم زخم نیفتادی.

(۴) واجب است این ملطفه‌ها را نگاه داشتن تا مردمان آنرا بخوانند و بدانند که پدر چه می‌سگالید و خدای عزوجل چه خواست.

۴۵. کدام یک از گزینه‌های زیر به یکی از رسوم مختص به دربار اشاره ندارد؟

- (۱) حسن سلیمان بر پای خاست و درجه نشستن داشت در این مجلس و زمین بوسه داد و پس بایستاد و گفت بنده و فرمان بردارم.
- (۲) چون بوسعید نام سلطان بگفت همگان پیاده شدند و باز برنشستند و نامه خوانده آمد و فوج فوج لشکر می‌آمد.
- (۳) چون عبدالله طاهر بازگشت فضل به مشایعت وی رفتن گرفت. عبدالله عنان بازکشید و بایستاد و فضل را معذرت کردن گرفت تا بازگردد.
- (۴) سپاه‌داران اسب سپاه‌سالار خواستند و برنشانند و دور از امیر بایستاد و نقیبان را بخواند و گفت لشکر را باید گفت تا به تعبیه درآیند.

۴۶. مطابق این بخش از نامه حشم تگین آباد به امیر مسعود، ضمیر «وی» به چه کسی اشاره دارد؟

«امیر ابواحمد، ادام الله سلامته، شاخی بود از اصل دولت امیر ماضی، انار الله برهانه، هر کدام قویتر و شکوفه آبدارتر و برومندتر که بهیچ حال خود فرانستاند و همداستان نباشد اگر کسی از خدمتکاران خاندان و جز ایشان در وی سخنی ناهموار گوید؛ چه هر چه گویند باصل بزرگ بازگردد».

- (۱) امیر محمد (۲) امیر محمود (۳) امیر مسعود (۴) حشم تگین آباد

۴۷. بیهقی این عبارت را برای تأکید بر کدام گزاره آورده است؟

«قال الله عز وجل وقوله الحق: و زاده بسطة في العلم والجسم والله يؤتي ملكه من يشاء».

- (۱) و بیاید در این تاریخ سخنان وی چه آنکه گفته و چه نبشته تا مقرر گردد خوانندگان را که نه بر گزارف است حدیث پادشاهان.
- (۲) من این دانم که نبستم و برین گواهی دهم در قیامت و آن کسان که آن محضرها ساختند ایشان را محشری و موقفی قوی خواهد بود، پاسخ خود دهند.
- (۳) و مرد بشبه وزیری گشت و سخن امیر همه با وی می‌بود، و باد طاهر و از آن دیگران همه بنشست و مثال در هر بابی او می‌داد و حشمتش زیادت گشت.
- (۴) مردان را جهد اندر آن باید کرد تا یک بار وجیه گردند و نامی، چون گشتند شد و اگر در محنت باشند یا نعمت ایشان را حرمت دارند.

۴۸. در کدام گزینه حرف «را» به شکلی متفاوت به کار رفته است؟

- (۱) امیر محمد را بغزنین خوانده آمد تا اضطرابی نیفتد.
- (۲) اعیان قوم خویش را بخواند و این حالها با ایشان باز راند.
- (۳) پس از آنکه این علوی را برسولی فرستاد نامه امیرالمؤمنین القادر بالله رضی الله عنه رسید.
- (۴) و امیر رضی الله عنه عذر او پذیرفت و رسول را نیکو بنواخت.

۴۹. توضیح مقابل کدام گزینه نادرست است؟

(۱) چون از بغلان بنده برفت سوی بلخ نالان شد و مدتی ببلخ بماند چون به سرخس رسید سپاه سالار خراسان حاجب غازی آنجا بود و خبر آمد که سلطان محمود فرمان یافت و وی سوی نیشابور رفت و مرا با خویشتن برد و نگذاشت رفتن که خداوند بسعدت می بیاید: مربوط است به رکابداری که نامه‌های سلطان محمود را به همراه داشت تا به پسر کاکو و دیگر بزرگان برساند، اما با خوش خدمتی سپاه سالار حاجب غازی در این کار تأخیری می افتد و کسی از نامه‌ها باخبر نمی شود.

(۲) اگر این خداوند تا مصر میرفتی ما را همین شغل میبودی فرق شناسیم میان این دو مسافت و اگر خداوند چون از شغلها که پیش دارد فارغ گشت - و زود باشد که فارغ گردد چه پیش همت بزرگش خطر ندارد- و چنان باشد که بسعدت اینجا بازآید و یا سالاری فرستد امروز بنده و فرمان بردارند آن روز بنده تر و فرمان بردارتر باشیم که این نعمت بزرگ را که یافته‌ایم تا جان در تن ماست زود زود از دست ندهیم و اگر امروز که نشاط رفتن کرده است تازیانه‌یی اینجا بیای کند او را فرمان بردار باشیم: بخشی از سخنان چابلو سانه خطیب مردمان ری است به امیر مسعود هنگام ترک ری به سمت غزنین و حرفشان هم این است که فرقی نمی کند امیر ری بماند یا نماینده‌ای بگمارد. حتی اگر تازیانه‌اش را باقی بگذارد، با جان و دل فرمانبردار آن هستند.

(۳) سه روز کار می ساختند و مردم فراز می آوردند. پس روز چهارم رسول را به صحرا آوردند و بر بالا بداشتند و حسن سلیمان با خیل خویش ساخته بیامد و بگذشت و بر اثر وی مردم شهر زیادت از ده هزار مردم به سلاح تمام بیشتر پیاده از مردم شهر و نواحی نزدیک تر و چون این قوم بگذشتند اعیان ری رسول را گفتند بدیدی؟: مربوط است به واقعه شورش یکی از بقایای آل بویه در ری که اعیان ری تدبیر آن را اندیشیدند: سپاهی بزرگ جمع کردند و به رسول آن مغرور آل بویه قدرت نظامی شان را نشان دادند تا او ببیند و برای فرماندهش تعریف کند.

(۴) پس از برکت علم از خاندان میکائیلیان برآمدم و حق ایشان در گردن من لازم است و بر ایشان که مانده اند ستم‌های بزرگ است از حسنک و دیگران که املاک ایشان موقوف مانده است و اوقاف اجداد و آباء ایشان هم از پر کار افتاده و طرق و سبل آن بگردیده: بخشی از سخنان قاضی صاعد است به امیر مسعود در نیشابور درباره خاندان میکائیلیان که از زمان حسنک به آن‌ها ستم شده و اغلب آنان گریخته‌اند و اکنون قاضی صاعد درخواست می کند که امیر راه بازگشتشان را باز بگذارد.

۵۰. توضیح کدام گزینه درست است؟

(۱) ما ولایتی دور سخت بانام بگشاده بودیم و قصد همدان و بغداد داشتیم که نبود آن دیلمان را بس خطری: زیرا آن دیلمان را خطری تهدید نمی کرد.

(۲) اگر غدر کنید و راه بغی گیرید شوم باشد و خدای عزوجل نپسندد و پس یکدیگر درشوید: از یکدیگر حمایت کنید.

(۳) آنچه صلاح من در آن است و تو بینی و مثال دهی که عبداللهی از آن زاستر نشوم: نمی گذرم و تجاوز نمی کنم.

(۴) جمله حرات به سرای ابوالعباس اسفراینی رفتند که به رسم امیر مسعود بود: کاری بود که امیر مسعود مرسوم کرده بود.

۵۱. کدام گزینه با حکایت زیر از گلستان متناسب است؟

یکی از پادشاهان پیشین در رعایت مملکت سستی کردی و لشکر بسختی داشتی. لاجرم دشمن صعب روی نمود همه پشت دادند.

چو دارند گنج از سپاهی دریغ / دریغ آیدش دست بردن به تیغ

یکی را از آنان که غدر کردند با من دوستی بود ملامتش کردم و گفتم: دون است و بی سپاس و سفله و ناحق شناس که به اندک تغیر حال از مخدوم قدیم برگردد و حقوق نعمت سالیان درنوردد. گفت: اگر به کرم معذور داری شاید، که اسبم بی جو بود و نم‌دزین بگرو، و سلطان که با زر با سپاهی بخیلی کند به سر با او جوانمردی نتوان کرد.

زر بده مرد سپاهی را تا سر بنهد / وگرش زر ندهی سر بنهد در عالم

(۱) اگرچه خصم ضعیف باشد ویرا بچشم ضعیفی منگر، در باب آن ضعیف همان احتیاط کن که با قوی تر کنی و اندر حرب دلیر مباش که از دلیری خویش لشکر خویش بر باد دهی و نیز بددل مباش که از بددلی خویش لشکر خویش را منهزم گردانی.
(۲) پس اگر با لشکر بخلعت و صلّت توفیری از پیشی نه باشد، باری بنان و نبید و سخن خوش تقصیر مکن و یک لقمه نان و یک قدح نبید بی لشکر خویش مخور که آنچه نان پاره کند، زر و سیم نتواند کردن.

(۳) و نیز همچنان که با ولی نعمت خویش منصف باشی با لشکر نیز منصف باش، توفیرهای حقیر مکن که گوشت کز دندان بیرون کنی شکم را سود ندارد که زیان آن توفیر بزرگتر از سود باشد. بدان کم مایه توفیر لشکری را دشمن خویش کنی و دشمن خداوند خویش.

(۴) مرگ را بکوش که هر که مرگ بر دل خوش کرد بهر باطلی او را از جای نتوانند گسست، نگر تا ازان سپهسالاران نباشی که عسجدی گوید اندر فتح خوارزم محمود را، رحمة الله علیه رحمة واسعة: سپهسالار لشکرشان یکی لشکرشکن کاخر/ شکسته شد ازو لشکر ولکن لشکر ایشان.

۵۲. عبارت زیر با کدام گزینه کامل می‌شود؟

«از کار سلطان حشمت طلب کن که نعمت خود از پس حشمت آید که...»

(۱) هر درمی که از عمل سلطان گرد کنی از غبار عالم پراکنده تر شود.

(۲) همت ملکانه پیوسته آنست که دایم در آزمایش کهتران خویش باشند.

(۳) عز خدمت سلطانی به از عز توانگریست.

(۴) که این ملک نه همه به عشرت مشغول بود.

۵۳. کدام عبارت به درستی معنا شده است؟

- (۱) و خداوند خویش را جز بنیکی کردن راه منمای تا با تو نیکی کند که چون بد آموزی با تو جز بدی نکند (= با سلطان خود به گونه ای باش که راهی جز نیکی کردن در حق تو نداشته باشد. اگر او را به بدی کردن آموخته و مأنوس کنی، با تو جز بدی نمی کند).
- (۲) خلیفه را گفت: اینک آدمم با دو هزار پیل و دارالخلافه بیای پیلان ویران کنم... و تهدید عظیم نمود از بارنامه پیلان خویش (= به خلیفه گفت: به زودی با دوهزار پیل می آیم و بغداد را ویران می کنم... و با تفاخر به پیلان خود و لاف زدن درباره آن‌ها، خلیفه را بسیار تهدید کرد).
- (۳) و شرط کاتبی آنست که مادام مجاور حضرت باشی و سابق کار یاد داری و تیزفهم و نافراموش کار باشی و متفحص باشی و از همه کارها تذکره همی داری (= از شرایط کاتبی آن است که تا وقتی مقیم درگاه هستی سوابق کار را به یاد آوری و حواس جمع و دوراندیش باشی و از همه کاری عبرت بگیری).
- (۴) احمد بن رافع را با عبدالجبار خوجانی دوستی بود سخت بی ممالحتی و ملاقاتی که در میان ایشان بوده بود، اما بمناسبت فضل، دوستی داشتندی با یکدیگر بمکاتبت (= این دو شخص دوستی بسیار بی نمکی داشتند و همدیگر را ندیده بودند، اما چون هر دو دانشمند بودند به همدیگر نامه می نوشتند).

۵۴. با توجه به مفهوم عبارت زیر، کدام گزینه می تواند ادامه منطقی عبارت باشد؟

«و حشمت خدمت خداوندان خود چون سرمایه است و درم که ازو گرد آید راست چون سودست، پس...»

- (۱) از بهر حشمت درم از دست مده. (۲) از بهر درم سود از دست مده.
- (۳) از بهر حشمت سرمایه از دست مده. (۴) از بهر سود سرمایه از دست مده.

۵۵. بخشی از چهار حکایت باب «در آداب و آیین دبیری و شرط کاتب» قابوس نامه در زیر آمده است. مبنای کدام حکایت صنعت ادبی «استخدام» است؟

- (۱) امیرالمؤمنین [نه] الف و لام و میم نبشته است، خداوند ویرا تهدید به پیلان کرده بود و گفته که [خاک] دارالخلافه بیشت پیلان بغزنین آرم، جواب خداوند نبشته است: «الم تر کیف فعل ربک باصحاب الفیل؟»
- (۲) عبدالجبار نامه بستد و در عنوان نگاه کرد، پیش از آنکه مهر برداشت بر کناره الفی دید و بر کناره دیگر نونی، در وقت این آیت یادش آمد: «أن یقتلوا»، بدانست که نامه در باب کشتن وی است.
- (۳) صاحب را پرسید که چه نالانیست؟ وی بگفت که علت چیست. آنکه پرسید که شراب چه می خوری؟ گفت: فلان شراب. پس پرسید که طعام چه می خوری؟ صاحب گفت: از آنچه تو می کنی یعنی مزور.
- (۴) [صاحب اسماعیل عباد] روی سوی کاتبان کرد و گفت: هر روز شنیدی من در کاتبی خود نقصان همی بینم از آنچه روز آدینه بدیوان نیامده باشم و چیزی نه نبشته باشم آن یک روز تقصیر در من تأثیر کند.

۵۶. عبارت کدام گزینه با واژه داخل کمانک به درستی تکمیل می‌شود؟

- (۱) اگر در عاقبت کار و هجرت سوی گور فکرت ... واجب داری، حرص و شره این عالم فانی به سر آید (آوند)
- (۲) نزدیک آمد که این هراس ... بر من مستولی گرداند و به یک پشت پای در موج ضلالت اندازد (حسک)
- (۳) علم متروک و جهل مطلوب و ... و دنائت مستولی و کرم و مروت منزوی (لؤم)
- (۴) چندانکه شربت مرگ ... افتد و ضربت بویحیی پذیرفته آید، هراینه بدو باید پیوست (تبعث)

۵۷. این جملات شرح حال کیست؟

در حال گرسنگی و تشنگی طعام و شراب نتواند خواست و اگر به دردی درماند بیان آن ممکن نشود و نهادن و برداشتن خرجه‌ها را خود نهایت نیست. و چون ایام رضاع به آخر رسید، در مشقت تأدب و تعلم و محنت دارو و پرهیز و مضرت درد و بیماری افتد.

- (۱) مسافر پیاده (۲) صوفی آزاده (۳) کودک نوزاده (۴) بیمار افتاده

۵۸. در کدام گزینه اسم مفعول نیامده است؟

- (۱) علمای هر صنف را بینم و از اصول و فروع معتقد ایشان استکشافی کنم.
- (۲) و با این همه درد فراق بر اثر و سوز هجر منتظر.
- (۳) خواستم که به عبادت متحلی گردم تا شعار و دثار من متناسب باشد.
- (۴) از ایدای مردمان و دوستی دنیا و جادوی و دیگر منکرات پرهیز واجب دیدم.

۵۹. کدام تمثیل نمی‌تواند دنباله منطقی عبارت زیر باشد؟

«نعمتهای این جهانی چون روشنایی برق بی دوام و ثبات است و با این همه...»

- (۱) مانند آب شور [است] که هر چند بیش خورده شود تشنگی غالب تر گردد.
- (۲) چون خمره پرشهد مسمومست که چشیدن آن کام را خوش آید لکن عاقبت بهلاک کشد.
- (۳) چون بت زرین [است] که بیک میخ ترکیب پذیرفته باشد و اعضای آن بهم پیوسته، هر گاه میخ بیرون کشی در حال از هم باز شود.

- (۴) چون خواب نیکوی دیده آید بی شک در اثنای آن دل بگشاید اما پس از بیداری حاصل جز تحسر نباشد.

۶۰. توضیح کدام گزینه درباره برزویه طیب از عبارت نقل شده برمی آید؟

- (۱) تا بمیامن آن درهای روزی بر من گشاده گشت و صلوات و مواهب پادشاهان بمن متواتر شد: پزشکی حاذق بود که به مواهب پادشاهان اهمیتی نمی داد.
- (۲) بصواب آن لایق تر که بر معالجت مواظبت نمایی و بدان التفات نکنی که مردمان قدر طیب ندانند: او از مردم گله مند بود چون معتقد بود قدر طیب نمی دانند.
- (۳) در بیابان تردد و حیرت یکچندی بگشتم و در فراز و نشیب آن لختی پوید. البته سوی مقصد پی بیرون نتوانستم برد: شخصیتی جست و جوگر داشت و در شک و تردید بود.
- (۴) در جمله کار من بدان درجت رسید که بقضاهای آسمانی رضا دادم و بدین امید عمر می گذاشتم که مگر روزگاری رسم که دران دلیلی یابم: طبابت را یکسر رها کرد و به راست کردن کارهای آخرت پرداخت.

۶۱. با توجه به بخش هایی که از چهار مقاله خوانده اید، کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) نظامی عروضی هنگام آوردن حکایاتی درباره دبیران و شاعران دچار سهو تاریخی شده است.
- (۲) نظامی عروضی شعر نیز می سروده است و ابیات خودش را در کتابش گنجانده است.
- (۳) نظامی عروضی دیوان های شاعران پیش از خود یا معاصرش را مطالعه کرده و گاه اشعار آنان را در کتابش نقد کرده است.
- (۴) نظامی عروضی همواره اشعار را بر اساس معیارهای نقد ادبی روزگار خود نقد می کند و از ذکر نظر شخصی خود پرهیز می کند.

۶۲. «چون قرآن داند، به یک آیتی از عهده ولایتی بیرون آید» این جمله نظامی عروضی درباره توانایی های دبیر با کدام یک از گزینه های زیر ارتباط دارد؟

- (۱) صاحب را عظیم مستنکر آمد به دو وجه: یکی از کثرت رشوت و دوم از دلیری و بی دیانتی قاضی. حالی قلم بر گرفت و بنوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم ايها القاضي بقم قد عزلناك فقم».
- (۲) خواجه بزرگ قصه بر پشت گردانید و بنوشت: «الخراج خراج اداوه دوايه» گفت خراج ریش هزار چشمه است گزاردن او داروی اوست و از روزگار آن بزرگ این معنی مثلی شد و در بسیار جای به کار آمد.
- (۳) پس اسکافی بر بدیهه جواب کرد و اول بنوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم يا نوح قد جادلنا فاکثرت جدالنا فائتنا بما تعدنا ان كنت من الصادقين» چون نامه به امیر خراسان نوح بن منصور رسید آن نامه بخواند تعجب ها کرد.
- (۴) پس اسکافی دو انگشت کاغذ برگرفت و بنوشت: «اما ماکان فصار کاسمه و السلام». ازین ما مای نفی خواست و از کان فعل ماضی تا پارسی چنان بود که ماکان چون نام خویش شد یعنی نیست شد.

۶۳. مضمون کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) از آن چندان نعیم این جهانی / که ماند از آل ساسان و آل سامان
ثنای رودکی ماندست و مدحت / نوای باربد ماندست و داستان
- (۲) چون پادشاه بامری که ناگزیر است مأمور شود از لشکر و گنج و خزینه او آثار نماند و نام او بسبب شعر شاعران جاوید بماند.
- (۳) در جهان سه نظامییم ای شاه / که جهانی ز ما بافغانند
من بورساده پیش تخت شهم / و آن دو در مرو پیش سلطانند
- (۴) همه خداوندان خرد دانند که اینجا حشمت محمود نمانده بود، حرمت فردوسی بود و نظم او.

۶۴. کدام یک از بیت‌هایی که در حکایت‌های باب شاعری چهارمقاله آمده است، مصداق این جمله نیست؟

«در خدمت پادشاه هیچ بهتر از بدیهه گفتن نیست که به بدیهه طبع پادشاه خرم شود و مجلس‌ها برافروزد»

- (۱) شعرهای مرا به بی‌نمکی / عیب کردی روا بود شاید
شعر من همچو شکر و شهد است / واندر این دو نمک نکو ناید
- (۲) ای ماه چو ابروان یاری گوئی / یا نی چو کمان شهریاری گوئی
نعلی زده از زر عیاری گوئی / در گوش سپهر گوشواری گوئی
- (۳) در بند تو ای شاه ملک‌کشه باید / تا بند تو پای تاجداری سایید
آن کس که ز پشت سعد سلمان آید / گر زهر شود ملک تو را نگزاید
- (۴) کی عیب سر زلف بت از کاستن است / چه جای به غم نشستن و خاستن است
جای طرب و نشاط و می خواستن است / کاراستن سرو ز پیراستن است

۶۵. عبارت زیر با کدام گزینه کامل می‌شود؟

«و اگر چه میان مخدوم و مخاطب او مخاصمت باشد، او قلم نگاه دارد و در عرض او وقیعت نکند الا بدان کس که تجاوز حد کرده باشد و قدم حرمت از دایره حشمت بیرون نهاده که ...»

- (۱) معنی خرد را بزرگ گرداند و معنی بزرگ را خرد و نیکو را در خلعت زشت بازنماید و زشت را در صورت نیکو جلوه کند.
- (۲) خیر الکلام ما قلاً و دلاً.
- (۳) سیم از خزینه بدیهه بیرون آید و پادشاه را حسب حال بطبع آرد، و این همه از بهر مراعات دل مخدوم و طبع ممدوح می‌باید.
- (۴) واحده بواحدة والبادی اظلم.

۶۶. منظور از کدام عبارت به درستی نوشته شده است؟

(۱) «جد من ابورجا حکایت کرد که چون درین نوبت رودکی بسمرقند رسید، چهارصد شتر زیر بنه او بود.» و الحق آن بزرگ بدین تجمل ارزانی بود: صله گرفتن چهارصد شتر به مناسبت سرودن قصیده بوی جوی مولیان و برانگیختن سلطان و سزاواری رودکی برای این تجمل و مکت.

(۲) مدت حبس او بسبب قربت سیف الدوله دوازده سال بود و در روزگار سلطان مسعود ابراهیم بسبب قربت او ابونصر پارسی را هشت سال بود: حبس هشت ساله مسعود سعد سلمان به سبب نزدیکی اش به سیف الدوله و حبس هشت ساله ابونصر پارسی به سبب نزدیکی اش به سلطان مسعود ابراهیم.

(۳) امیر بسیار بخندید و شگفتیها نمود و گفت: «مردی مقبل است، کار او بالا گیرد. او را و کزگان را نگاه دارید، و چون او بیدار شود مرا بیدار کنید.»: اقبال سلطان ملکشاه به امیر معزی پس از سرودن دوبیتی رؤیت ماه و صله دادن کزگان ختلی به او و بازخواندنش به لقب سلطان.

(۴) گر شاه سه شش خواست سه یک زخم افتاد/ تا ظن نبری که کعبتین داد نداد// آن زخم که کرد رای شاهنشاه یاد/ در خدمت شاه روی بر خاک نهاد: دلجویی ازرقی از امیر و توجیه سه یک آمدن کعبتین با اشاره به مقابل یکدیگر بودن عدد شش و یک در وجوه کعبتین.

۶۷. مرجع ضمیر در کدام گزینه نادرست است؟

(۱) دیگر تو مردی شیعیی و هر که تولی بخاندان پیامبر کند او را دنیاوی بهیچ کار نرود که ایشان را خود نرفته است: شیعیان
(۲) بر پادشاه واجب است که چنین شاعر را تربیت کند تا در خدمت او پدیدار آید و نام او از مدحت او هویدا شود: شاعر
(۳) و فضل درکشید و ببغداد رفت و بفرمان وی بود کار خلافت، و محمد زبیده به نشاط و لهو مشغول: فضل
(۴) چون این فرمان بیرون آمد فضل کس فرستاد نزدیک عبدالله طاهر و حاجب بزرگ مأمون او بود و با فضل دوستی تمام داشت: عبدالله طاهر

۶۸. یکی از تکنیک‌های مدرن داستان‌نویسی این است که نویسنده خواننده را از فرایند آفرینش داستان آگاه می‌کند؛ یعنی به جای روایت خطی و سنتی، گاه به نوشتن خود اشاره می‌کند، روایت را بازتاب می‌دهد یا از نقش راوی پرده برمی‌دارد. در کدام یک از داستان‌های زیر این تکنیک به وضوح به کار رفته است؟

(۱) معصوم اول (۲) کنیزو

(۳) نقاش باغانی (۴) قصه دوم مجموعه ترس و لرز

۶۹. برداشت شخصی فضل‌الله خان از مفهوم «انفجار بزرگ» (Big Bang) در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) او باور دارد که زندگی هم مانند جهان چرخه‌ای بی‌پایان از نابودی و تولد دوباره است.
- (۲) او معتقد است که میلیاردها سال از آغاز هستی گذشته، اما انسان‌ها هنوز یاد نگرفته‌اند که از زندگی لذت ببرند.
- (۳) او با دید علمی به دنیا نگاه می‌کند و سعی دارد مفهوم کیهان را در زندگی شخصی خود بازتاب دهد.
- (۴) او در نهایت به این نتیجه می‌رسد که تاریخ و هستی هیچ ارزشی ندارند، چون جامعه به بن‌بست رسیده است.

۷۰. در کدام داستان انسان‌ها قربانی مخلوقات ذهنی خودشان نشان داده شده‌اند؟

- (۱) نقاش باغانی
- (۲) شرق بنفشه
- (۳) قصه‌دوم ترس و لرز
- (۴) معصوم اول

۷۱. با توجه به داستان‌هایی که خوانده‌اید، کدام یک از گزینه‌های زیر نادرست است؟

- (۱) داستان «معصوم اول» از زاویه دید اول شخص روایت شده و لحن آن رازآلود و تعلیق‌آمیز است.
- (۲) داستان «عروسک چینی من» از زاویه دید اول شخص روایت شده و لحن آن سرشار از تهایی و اضطراب کودکانه است.
- (۳) داستان «پسرک بومی» از زاویه دید دانای کل روایت شده و لحن آن گزارشی و انتقادی است.
- (۴) داستان «انفجار بزرگ» به شیوه‌ی مونولوگ (تک‌گویی) روایت شده است و لحن آن گاهی شاعرانه و همواره گلایه‌آلود است.

۷۲. در داستان «شرق بنفشه»، نویسنده با اشاره به آثار ادبی مشهور، لایه‌های معنایی عمیقی را در روایت ایجاد کرده است. در کدام گزینه چنین ارجاعی وجود ندارد؟

- (۱) پدرت هم انگار فهمیده توی کوچه‌تان می‌گردم. با نوکرتان می‌آید دم در. چپ‌چپ نگاهم می‌کند. اگر نخواهی نمی‌آیم. ماشین نامزدت به نظرم یک دیو است. کاشکی شمشیر و نیزه داشتم حمله می‌کردم بهش. خردش می‌کردم.
- (۲) پنجره‌ات همان سیاره کوچکی است که رویش یک گل سرخ روئیده، میان همه ستاره‌ها و معلوم نیست کدامشان است. ولی چرا نوارچسب‌ها را از شیشه‌ها نمی‌کنید. حالا که بمباران نیست دیگر.
- (۳) پیش خودم گفتم اگر ارغوان اهل باشد، اگر نیلوفری برای من داشته باشد، خودش می‌فهمد. ولی پشت من قوز درآورد بس که پشت آن بساط نشستم.
- (۴) بیشتر رمان‌های کتابخانه حافظیه را بعضی اعضا برده‌اند. یک زمانی مندنی‌پور نامی، ساده لوح، برای این کتابخانه‌ها رمان خریده بود. ذبیح و ارغوان همان چندتای باقی مانده را نقطه گذاشتند.

۷۳. مطابق سخن سیما داد در فرهنگ اصطلاحات ادبی، «در آثار اکسپرسیونیستی واقعیت به همان شکل تحریف شده‌ای که به نظر نویسنده و شاعر می‌رسد بیان می‌شود. بازتاب تحریف شده واقعیت‌ها در ذهن نویسنده، شاعر و نقاش اکسپرسیونیست مبین دید و برداشت او از جهان است». با توجه به این گفتار، در کدام گزینه توصیفی اکسپرسیونیستی (گزاره‌گرایانه) دیده نمی‌شود؟

- (۱) از پشت برکه ایوب رد شدند و رسیدند به تاریکی غلیظی که هم چون گرهی هوا را تیره کرده بود. محمد احمدعلی و عبدالجواد تاریکی را دور زدند و رسیدند دم کپر زاهد. هوا آشفته بود و دریا بالا رفته، جلو افق را گرفته بود.
- (۲) با قدمهای بریده رفت طرف مضیف، سایه‌اش هم رفت طرف مضیف. بوی خوشی از اتاق شنیده می‌شد. سالم را از دریا صدا کردند. سالم برگشت و پشت سرش را که خالی بود نگاه کرد.
- (۳) سالم احمد چهارگوشه تن شوری را نگاه کرد و دلوهای خالی و سوراخ پای دیوار را که سایه کوچک و تیره‌ای داخل آن می‌جنید. عرق سردی بر پشت سالم نشست و با احتیاط خود را به بیرون تن شوری کشید. دیوار بادگیر اتاق ریخته بود و سفره ای از آفتاب روی خاکها افتاده بود. دهانه گشاد شده بادگیر صدای دریا را جمع می‌کرد و توی اتاق می‌ریخت.
- (۴) سیاه لاغر و قدبلندی کنار اجاق نشسته بود که کله بسیار کوچکی داشت و دشداشه بلندی تنش بود. پاهایش را که یکی چوبی بود، دراز کرده بود جلو اجاق و پای دیگرش را زیر تنه خود جمع کرده بود.

۷۴. ادبیات اقلیمی نوعی از داستان‌نویسی است که در آن محیط جغرافیایی، فرهنگ، آداب و رسوم، باورهای محلی و زبان یک منطقه خاص نقش مهمی ایفا می‌کنند. در این نوع ادبیات، محیط فقط یک پس‌زمینه نیست، بلکه در شکل دهی به شخصیت‌ها، حوادث و درون‌مایه سهیم است. با توجه به این تعریف، کدام یک از گزینه‌های زیر را می‌توان به عنوان نمونه‌ای از ادبیات اقلیمی در نظر گرفت؟

- (۱) نقاش باغانی
- (۲) کنیزو
- (۳) معصوم اول
- (۴) شرق بنفشه

۷۵. برای جریان سیال ذهن تعاریف متعددی وجود دارد، اما یکی از تعریف‌های رایج این است: تکنیکی است که در آن افکار، احساسات و خاطرات شخصیت‌ها به شکلی درهم‌تنیده و نامنظم، مشابه جریان طبیعی ذهن، ارائه می‌شود. در این شیوه، روایت ممکن است بدون ترتیب زمانی مشخص باشد، تغییرات ناگهانی در زاویه دید رخ دهد یا دیالوگ‌های درونی شخصیت‌ها بدون علامت‌گذاری‌های سنتی ارائه شوند. در کدام یک از داستان‌های زیر از این تکنیک استفاده شده است؟

- (۱) قصه دوم ترس و لرز
- (۲) پسرک بومی
- (۳) معصوم اول
- (۴) عروسک چینی من

۷۶. یک جامعه‌شناس قصد دارد از میان داستان‌هایی که خوانده‌اید، داستانی را برای تحلیل روابط قدرت و سرکوب اجتماعی انتخاب کند. این تحلیل شامل بررسی عواملی مانند ساختارهای سلطه، بازتولید نابرابری، نقش سنت‌ها در سرکوب و محدودیت‌های اجتماعی است. با توجه به این معیارها، کدام داستان مناسب‌ترین نمونه برای این بررسی است؟

- (۱) کنیزو
(۲) پسرک بومی
(۳) شرق بنفشه
(۴) معصوم اول

۷۷. «ور»ی که جم در «کارنامه بندار بیدخش» توصیف و بنا می‌کند، نماینده چیست؟

- (۱) بهشت موعود (۲) مخفیگاهی امن (۳) ویران شهری واقع گرایانه (۴) آرمانشهری ایدئولوژیک

۷۸. نگاه بیضایی به اژدهاک در سه برخوانی شبیه است به:

- (۱) نگاه فردوسی به ضحاک (۲) نگاه عین‌القضاة به ابلیس
(۳) نگاه سرایندگان اوستا به جمشید (۴) نگاه مولوی به نفس اماره

۷۹. در ادبیات نمایشی، «کشمکش دراماتیک» به نیروی محرک داستان گفته می‌شود که از تضاد میان شخصیت‌ها، اندیشه‌ها یا نیروهای اجتماعی شکل می‌گیرد. کشمکش می‌تواند فردی (درونی)، میان شخصیت‌ها (بینافردی) یا اجتماعی-فلسفی باشد و مسیر روایت را پیش ببرد. با توجه به این تعریف، کشمکش اصلی در «کارنامه بندار بیدخش» و «اژدهاک» چگونه تعریف می‌شود؟

- (۱) در «کارنامه بندار بیدخش» کشمکش میان یک فرد و قدرت مطلق دیده می‌شود، در حالی که در «برخوانی اژدهاک» تضاد میان عقل و احساس مطرح است.
(۲) هر دو برخوانی کشمکش میان قدرت و خرد را نشان می‌دهند؛ اما در «کارنامه بندار بیدخش» خرد سرکوب می‌شود، در حالی که در «برخوانی اژدهاک» قدرت به سبب استبداد خود سقوط می‌کند.
(۳) در «برخوانی اژدهاک» تضاد میان سنت و مدرنیته پررنگ‌تر است، در حالی که در «کارنامه بندار بیدخش» تضاد میان عشق و قدرت دیده می‌شود.
(۴) در «برخوانی اژدهاک» کشمکش بیشتر درونی و شخصی است، اما در «کارنامه بندار بیدخش» تنها به مسائل اجتماعی و عمومی محدود می‌شود.

۸۰. نیما معتقد است که «زبان برای شاعر همیشه ناقص است و کوتاهی دارد و فقیر است. غنای زبان، رسایی و کمال آن به دست شاعر است و باید آن را بسازد» و نیز «باید برای به دست آوردن آن به هر سو رفت: در کلمات عوام، در کلمات خواص و در کلماتی که اساس تولید و تحلیل و ترکیب آن در پیش خود شاعر است». یعنی از منظر نیما، شاعر با استفاده از مصالِح زبان کهن و نیز زبان روزمره و متداول به زبانی تازه و خاص خود دست می‌یابد. همه موارد زیر را می‌توان نمونه و شاهدی از این نظر نیما درباره زبان شعر دانست، به جز ...

(۱) ول کنید اسب مرا / راه توشه سفرم را و نمدزینم را / و دلم هرزه در / که خیالی سرکش / به در خانه کشانده‌ست مرا.
(۲) می‌رود لیکن او / به هر آن ره که بر آن می‌گذرد / همچو بیگانه که بر بیگانه / می‌رود نامعلوم / می‌خروشد هر دم / تا کجاش آبخور / همچو بیرون‌شدگان از خانه.

(۳) پک و پک سوزد آنجا «کله‌سی» / بوی از پیه می‌آید به دماغ / در دلِ درهم و برهم شده مه / کورسویی ست ز یک مُرده چراغ / هست جولانِ پشه، / هست پروازِ ضعیفِ شب‌تاب

(۴) چه شب موزی و گرمی و دراز / تازه مرده‌ست زخم / گرسنه مانده دوتایی بچه‌هام / نیست در «کپه» ی ما مشت برنج / بکنم با چه زبانشان آرام؟

۸۱. در تمامی نمونه‌های زیر، یک مؤلفه زبانی سبکی نیما (= یک ویژگی زبانی خاص یا یکی از تصرّفات زبانی شعر او) دیده می‌شود، به جز ...

(۱) مثل این است که با کوفتنِ طبل و دمیدن در شاخ / می‌دهد وحشت و سنگینی شب را تسکین / هر چه در دیده او ناهنجار / هر چه اش در بر، سخت و سنگین.

(۲) چه کند گر برود یا نرود؟ / دم که با ماتم خود می‌گردد، / می‌رود شب پا، آن‌گونه که گویی به خیال / می‌رود او، نه به پا.
(۳) همچنان کاندر غبارانده‌اندیشه‌های من ملال‌انگیز / طرح تصویری در آن هرچیز / داستانی حاصلش دردی.
(۴) وین زمان فکرم این است که در خون برادرهایم / - ناروا در خون پیچان / بی‌گنه غلتان در خون - / دل فولادم را زنگ کند دیگرگون.

۸۲. «شعر اعترافی» جریانی ادبی در شعر آمریکا بود که در دهه‌های پنجاه و شصت میلادی ظهور کرد و در قرن بیست‌ویکم نیز جریانی تأثیرگذار باقی ماند. نمونه‌های بارز این جریان را شعرهایی خودبیانگرانه و اغلب عمیقاً شخصی می‌دانند که از زاویه دید «من» (نویسنده) نوشته می‌شوند. شاعران این جریان بسیاری از موضوعاتی را که پیش از آن، تابو یا ممنوعه تلقی می‌شدند در شعر خود مطرح کردند. در میان شاعران معاصر فارسی نیز شعر ... را می‌توان از بسیاری جهات به این جریان نزدیک دانست.

۸۳. کدام یک از نمونه‌های زیر از شعر سهراب، برای مدعای زیر شاهد بهتری می‌تواند باشد؟

«نقاشی و شعر سهراب از هم جدا نیستند؛ چنانکه خود گفته: «شعر من نقاشی است». مسئله صرفاً توجه به تصویر و ایماژ شاعرانه نیست؛ مسئله این است که در برخی از تصاویر شعرش، بیش از آنکه وجه زبانی یا انتقال معنایی خاص مد نظر باشد، به ترکیب‌بندی نقاشانه و تمهیدات بصری نظر دارد. برای مثال در شعر «غربت» می‌خوانیم: «باغ همسایه چراغش روشن / من چراغم خاموش / ماه تابیده به بشقاب خیار، به لب کوزه آب». گویی با یک تابلوی نقاشی سروکار داریم: در یک سو، روشنایی چراغ همسایه و در سمت دیگر، تاریکی ایوانی که راوی شعر در آن ایستاده؛ و درخشش نور مهتاب روی بشقاب خیار و لبه کوزه آب».

- (۱) و شبی از شبها / مردی از من پرسید: / تا طلوع انگور، چند ساعت راه است؟
- (۲) پشت کاجستان، برف / برف، یک دسته کلاغ.
- (۳) آن پهنه چه بود: / با میشی گرگی هم‌پا شده بود.
- (۴) سنگ آرایش کوهستان نیست / همچنانی که فلز، زیوری نیست به اندام کلنگ

۸۴. کدام یک از گزاره‌های زیر صحیح نیست؟

- (۱) «اسب سفید وحشی» از آتشی شعر شکست و ناکامی است. مرثیه‌ای است برای از دست رفتن عصر مبارزه و قهرمانی. در این شعر صبغه اقلیمی نیز چه در حیطه واژگان و عبارات و چه در حیطه تصاویر حضوری پررنگ دارد.
- (۲) «ماخ اولاً» از نیما شعری موجز در قالب نیمایی است در وصف رودی با همین نام در اقلیم زندگی شاعر، که می‌تواند به شکلی نمادین، بر ناهمواری مسیر مبارزه در ایران، علی‌الخصوص پس از کودتای ۲۸ مرداد، دلالت کند.
- (۳) گشایش و پایان‌بندی «سوره تماشاً» از سهراب (که با قلم پررنگ چاپ شده است) گویی از زبان خداوند روایت می‌شود و باقی شعر از زبان رسولی خسته که تلاش می‌کند مردمان عصرش را به «دیدن» ترغیب کند.
- (۴) در شعر bodhi از سهراب، همچون دیگر شعرهای شرق آندوه، از سویی با تجربه‌هایی در وزن سروکار داریم و از سویی دیگر با قوافی نزدیک به هم ملهم از قافیه‌های درونی دیوان شمس؛ شعری در وصف لحظه مکاشفه.

۸۵. مقصود از کدام واژه مشخص شده نادرست است؟

- (۱) رفت آن که پیش پایش دریا ستاره کردی / دستان مهربانش یک قطره ناسترده: اشک
- (۲) در گیسوی تو نشکفت آن بوسه لحظه‌لحظه / این شب نداشت آری الماس خرده‌خرده: گیسو
- (۳) می‌رفت و گرد راهش از دود آه تیره / نیلوفرانه در باد پیچیده تاب خورده: زلف
- (۴) بازی‌کنان ز گویی خون می‌فشانند و می‌گفت / «روزی سیاه‌چشمی سرخی به ما سپرده»: دل

۸۶. کدام یک از موارد زیر درباره شعرهای ذکرشده از شاملو صحیح نیست؟ (برای یادآوری، بندی از هر شعر در کمانک نقل شده است)

(۱) در شعر «فصل دیگر»، «فصل دیگر» مفهومی ذهنی و سوپژکتیو است؛ یعنی بر سرمایی دلالت دارد که شاعر در درون خود حس می‌کند؛ حال آنکه در بیرون همه چیز مانند سال‌های گذشته است (هم بر قرارِ منقلِ آرزیزِ آفتاب/ خاموش نیست کوره/ چو دی‌سال/ خاموش/ خود/ منم! / مطلب از این قرار است: / چیزی فسرده است و نمی‌سوزد/ امسال/ در سینه/ در تنم!).

(۲) در شعر «گفتی که باد مرده‌ست»، «باد» رمزی از ویرانی است و شعر خطاب به قهرمانی پاکباز و فروتن سروده شده که در میدان نبرد سیاسی، مصائب و آلام را به جان خریده تا پایان ویرانی و ستم را بشارت دهد (آنان که سهم هوشان را/ با دوستاق بانان معاوضه کردند/ در دخمه‌های تسمه و زرداب/ گفتند در جواب تو، با کبرِ دردشان/ زنده‌ست باد! / تازنده است باد! / طوفانِ آخرین را/ در کارگاهِ فکرتِ رعاندیش/ ترسیم می‌کند).

(۳) در شعر «ترانه آبی»، خاطره‌ای دور در کودکی راوی باعث شده است که رنگ آبی، سال‌ها بعد، در غربت، او را به یاد وطن بیندازد: خاطره خواب اجباری بعد از ظهر در حوض‌خانه‌ای با کاشی‌هایی آبی و منقش به تصویر شاهزاده‌ای چشم‌بادامی (قیلوله ناگزیر/ در تاق تاقی حوض‌خانه، / تا سال‌ها بعد/ آبی را/ مفهومی از وطن دهد/ امیرزاده‌ای تنها/ با تکرار چشم‌های بادام تلخش/ در هزار آینه شش گوش کاشی).

(۴) راوی شعر «آخر بازی» در خطاب به حاکم وقت، از به پایان رسیدن سال‌های ستم خبر می‌دهد و او را انداز می‌دهد که عواقب جنایات و ستم‌هایش دامانش را خواهد گرفت (آنجا که قدم بر نهاده باشی/ گیاه از رستن تن می‌زند ... باش تا نفرین دوزخ از تو چه سازد/ که مادران سیاه‌پوش/ - داغداران زیباترین فرزندان آفتاب و باد - / هنوز از سجاده‌ها/ سر برنگرفته‌اند!).

۸۷. با توجه به شعر «نگاه چرخان» (همیشه وقتی که موهام را از روی ابروهایم کنار می‌زنم آنجا نشسته‌ای) از رضا براهنی کدام یک از موارد زیر صحیح نیست؟

(۱) این شعر را می‌توان شعری نمادین و سمبولیک دانست که برای فهم معنای پس آن، باید به تفسیر نمادهای موجود در آن تکیه کرد.

(۲) این شعر شعری روایی است که در آن نوعی روایت غیرخطی، مبتنی بر تداعی و شبیه به شیوه جریان سیال ذهن به چشم می‌خورد.

(۳) وزن شعر حاصل بسط و توسعه اوزان مختلف الارکان، در آمیختن وزن و بی‌وزنی و ترکیب ارکان و پاره‌های وزنی مختلف است.

(۴) در این شعر روایتی عاشقانه با پرش‌هایی زمانی از کودکی به جوانی و پیری راوی با روایتی از تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در هم می‌آمیزد.

۸۸. با توجه به شعر «شب به خیر» (رضا براهنی) - که به طور کامل در زیر نقل شده است - گزینه نادرست را مشخص کنید.

«چشم‌های گربه زیر سقف پل، در جوی، در باران / مثل ته‌سیگارِ پرنور درشتی (تازه بر روی زمین افتاده) تابان بود / انعکاسش چلچراغی بود باران را و شب گویی چراغان بود / زیر ایوان منقش با خطوط سرد و مرطوب شب پائیز / گرمی دستان خود را بین هم تقسیم می‌کردیم ما پنهان / - مثل دو قرص سپیدِ نان / بین دو سرباز، یا بین دو گم‌گشته برادر، یا دو سرگردان - / شب چنان آرام بود آن لحظه در آفاق مسکینان، / که صدای پای کفترها می‌آمد سوی ما از حفره دیوار: / - چون صدای ضربه‌های قلب‌های ما / چون صدای عقربک‌های دو ساعت سوی هم میزان

ماه چون تابید بعد از ریزش باران / - از کنار نرده مهتابی ابر بلند روشن و غلتان - / «شب به خیر»ی که تو گفتی آنچنان آهسته بود / که تو گویی شبدری می‌خواند نامش را به سوی سروهای پاک کوهستان

لحظه‌ای دیگر / لحظه‌های سوگوار سیرسیرک بود / ماه در پشت سر من بود و منزل، پیش رو، من عارفی، در خلسته پرجذبه‌ای گریان / و در آن لحظه / چشم‌های گربه زیر سقف پل، در جوی شب، پنهان.»

۱) شعری است تغزلی در قالب نیمایی که قوافی نزدیک به هم آن را می‌توان یادآور قالب غزل دانست. شاعر در این شعر علاوه بر موسیقی بیرونی و کناری، از ابزارهای موسیقی درونی همچون واج‌آرایی نیز بهره گرفته است.

۲) «گربه» را که تصویری از آن هم در گشایش (آغاز) و هم پایان‌بندی شعر حضور دارد می‌توان نمادی درون‌متنی برای اقلیم و محل زندگی سراینده (ایران) دانست و به این اعتبار می‌توان گفت این شعر - دست‌کم تا حدودی - از صبغه اقلیمی برخوردار است.

۳) در بند دوم واژه «مهتابی» ایهام تناسب دارد: معنای نخست آن در اینجا «ایوان» یا «بالکن» است و معنای دیگر آن، با «ماه» در سطر قبل تناسب می‌سازد. همچنین در این بند «ابر» به اعتبار پوشاندن «ماه»، به «نرده مهتابی» تشبیه شده است.

۴) شعر با روایتی خطی پیش می‌رود: بند نخست تصویری از وصل در شبی بارانی، بند دوم خداحافظی پس از بند آمدن باران و بند سوم احساس تنهایی راوی را پس از جدایی از معشوق در پیش چشم می‌نهد. این حرکت از وصل به جدایی به موازات حرکت از شب روشن به ظلمت روایت می‌شود.

۸۹. با توجه به متن زیر کدام گزینه توصیفی از شعر «یاد آر ز شمع مرده یاد آر» به دست نمی‌دهد؟

«در همان اوقات شبی مرحوم میرزا جهانگیرخان را به خواب دیدم در جامه سپید (که عادتاً در طهران در برداشت) و به من گفت: «چرا نگفتی او جوان افتاد.» من از این عبارت چنین فهمیدم که می‌گوید چرا مرگ مرا در جایی نگفته یا ننوشته‌ای؟ و بلافاصله در خواب این جمله به خاطر من آمد: «یاد آر ز شمع مرده یاد آر.» در این حال بیدار شدم و چراغ را روشن کردم و تا نزدیک صبح سه قطعه از مسقط ذیل را ساختم و فردا گفته‌های شب را تصحیح کرده و دو قطعه دیگر بر آن افزودم...»

- ۱) خودانگیختگی و غلیان عاطفی انگیزه سرودن شعر را فراهم آورده است و این پدیده یکی از شاخصه‌های رمانتیسم است.
- ۲) گرچه قالب این شعر در ادبیات کلاسیک فارسی سابقه دارد، روی آوردن به آن انتخابی است در راستای نوجویی‌های شاعران عصر مشروطه.
- ۳) شاعر برای بیان سخنان خود از تمثیل‌ها و تلمیح‌های تاریخی و دینی استفاده می‌کند و کل شعر حالتی نمادین دارد.
- ۴) گرچه این شعر را از قله‌های ادبیات رمانتیک فارسی می‌دانند، شاعر در نوع تمثیل‌پردازی از ادبیات کلاسیک فاصله نگرفته است.

۹۰. در کدام یک از موارد زیر ستاک همان ریشه است؟

- ۱) دانش + گاه: دانشگاه ۲) نا + بینا: نابینا ۳) صبح + انه: صبحانه ۴) دردناک + ی = دردناکی

۹۱. کدام یک از موارد زیر تماماً صحیح است؟

- ۱) هیچ زبانی نیست که فاقد دستور باشد و زبان‌ها صرفاً از نظر نظام دستوری با یکدیگر متفاوت‌اند. اینکه برخی زبان‌های ناآشنا مانند هلندی پنسیلوانیا، ناواهویی یا چینی فاقد دستور زبان‌اند، یک مغالطه رایج است. با این حال ممکن است دستور برخی زبان‌ها در مجموع از برخی زبان‌های بدوی پیچیده‌تر باشد.
- ۲) زبان نظام قواعد خود را دارد که لازم نیست طرز کارش قراردادهای خاص منطق یا عقل سلیم را منعکس کند. دلیل چندانی وجود ندارد که تصور کنیم قواعد زبان باید به نحوی با قواعد منطق سازگار باشند.
- ۳) تمام زبان‌ها پیوسته در حال تغییر و دگرگونی‌اند؛ بعضی از این تغییرات نسبتاً جزئی‌اند و به سرعت صورت می‌پذیرند و سایر تغییرات تأثیر حادتر در صورت کلی زبان می‌گذارند و در مدتی طولانی‌تر به وقوع می‌پیوندند. گاهی برخی زبان‌ها در مقطعی از تاریخ خود به کمال می‌رسند و تغییرات بعدی به نوعی به انحطاط و فساد آن‌ها می‌انجامد.
- ۴) اغلب اندام‌های موسوم به اندام‌های گویایی (شش، حنجره، زبان، دندان، لب، کام و مجاری بینی) در اصل برای گفتار تکامل یافته‌اند، هرچند کار برخی از این اندام‌ها به تضمین بقای جسمانی انسان نیز مرتبط است، مثل شش‌ها که علاوه بر فراهم آوردن هوا برای گفتار، وظیفه حیاتی تبادل گاز کربنیک با اکسیژن را نیز بر عهده دارند.

۹۲. از میان نمونه‌های زیر کدام موارد را می‌توان مصداق گوناگونی تکواژگونه‌ای دانست؟

(الف) در فارسی «بافت» فعل است اما می‌تواند بدون هیچ تغییری به عنوان اسم نیز به کار رود.

(ب) دو صورت «ان» و «گان» دو تکواژ بیان جمع در فارسی معاصر هستند که اولی پس از همخوان و دومی پس از واکه به کار می‌رود.

(ج) تکواژهای «گاه»، «گری» و «چه» در فارسی همه برای اسم‌سازی به کار می‌روند.

(د) تکواژ ماضی‌ساز در فارسی در محیط‌های آوایی مختلف می‌تواند به صورت‌های [د]، [ت] یا [اد] تلفظ شود.

(۱) الف، ج (۲) الف، ب (۳) ج، د (۴) ب، د

۹۳. کدام یک از استدلال‌های نحوی زیر صحیح نیست؟

(۱) صفت «خوب» می‌تواند با یک شاخص میزان مثل «خیلی» ترکیب شده و گروه صفتی «خیلی خوب» را تشکیل دهد. «خیلی خوب» گروه صفتی است، چون می‌تواند با ترکیب شدن با اسمی چون «کتاب»، یک واحد نحوی بزرگ‌تر یعنی «کتاب خیلی خوب» را بسازد.

(۲) ترکیب حرف اضافه «در» و گروه اسمی «باشگاه بدنسازی» گروه حرف اضافه‌ای «در باشگاه بدنسازی» را تشکیل می‌دهد. «در باشگاه بدنسازی» یک واحد نحوی است، چرا که می‌توان آن را با یک واژه واحد جایگزین کرد؛ مثلاً به جای «او را در باشگاه بدنسازی دیدم» می‌توان گفت: «او را آنجا دیدم».

(۳) ترکیب دو اسم «قهرمان» و «شاهنامه» گروه اسمی «قهرمان شاهنامه» را تشکیل می‌دهد. «قهرمان شاهنامه» یک واحد نحوی است، چرا که می‌توان کل آن را یکجا و با هم جابه‌جا کرد و در جایگاه‌های مختلفی قرار داد؛ مثلاً می‌توان آن را در آغاز جمله آورد: «قهرمان شاهنامه مصائب بسیاری را پشت سر گذاشت» یا آن را در میانه جمله قرار داد: «رستم، پهلوان سیستانی، قهرمان شاهنامه است».

(۴) مقوله N یک ساخت میانی و واحدی بزرگ‌تر از اسم (N) و کوچک‌تر از گروه اسمی (NP) است. برای توجیه وجود این مقوله می‌توان از آزمون جانشینی استفاده کرد؛ مثلاً در گروه اسمی «این کتاب» می‌توان «کتاب» را با واژه «یکی» جایگزین کرد: این کتاب از آن یکی دشوارتر است (یکی = کتاب).

۹۴. همه روابط نحوی زیر، در نمودار درختی هر جمله مفروض، صحیح هستند، به جز... .

- (۱) گره S (جمله) بر همه گره‌های دیگر تسلط دارد.
- (۲) گره NP (گروه اسمی) بر گره P (حرف اضافه) تسلط دارد.
- (۳) گروه اسمی بلافاصله تحت تسلط S (جمله) فاعل جمله است.
- (۴) گروه اسمی بلافاصله تحت تسلط VP (گروه فعلی) مفعول مستقیم جمله است.

۹۵. «لَا يَسْأَلُونَ أَخَاهُمْ حِينَ يَنْدُبُهُمْ / فِي النَّائِبَاتِ عَلَى مَا قَالَ...»

با توجه به وزن، کدام گزینه برای جای خالی در این بیت مناسب است؟

- (۱) برهانا (۲) دلیلا (۳) حجة (۴) استدلالا

۹۶. «كَأَنَّ أَقَابِهَا تُغَوِّرُ نَقِيَّةَ / تَبَسَّمُ عَنْهَا الْآنَسَاتُ الْكَوَاعِبِ»

با توجه به این بیت کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) أقابي: فعل مضارع، متکلم وحده، از باب مفاعلة.
- (۲) نقية: اسم (صفت مشبیه)، مفرد، بر وزن فعيلة.
- (۳) تبسم: فعل مضارع، مفرد مؤنث غائب، از باب تفعّل.
- (۴) الكواعب: اسم، جمع مکسر کاعب، بر وزن فواعل.

۹۷. مفهوم کدام گزینه نادرست بیان شده است؟

- (۱) ثق بالناس رویدا: در اعتماد به دیگران شتابزدگی مکن.
- (۲) المكثر كحاطب الليل: بسیارگویی، بدون فکر، زیان بار است.
- (۳) لا رأى لمن لا يطاع: فرمانبرداری بی اندیشه میسر نیست.
- (۴) قدر لرجلك قبل الخطو موضعها: پیش از اقدام باید اندیشید.

۹۸. اعراب در کدام گزینه درست است؟

- (۱) يَمَازُجُ مِنْهُ الْحِلْمُ وَالْبَأْسُ مِثْلُ مَا / تَمَازَجَ صَوْبَ الْغَادِيَاتِ عَقَارَ (صوب: مفعول به و منصوب)
- (۲) كُلُّ يُرِيدُ رَجَالَهُ لِحَيَاتِهِ / يَا مَنْ يُرِيدُ حَيَاتَهُ لِرَجَالِهِ (حيات: فاعل و مرفوع)
- (۳) أَضَافَ إِلَى التَّبْيِيرِ فَضْلَ شَجَاعَةٍ / وَلَا عَزَمَ إِلَّا لِلشَّجَاعِ الْمَدْبَرِ (فضل: فاعل و مرفوع)
- (۴) وَإِنَّ عَوَائِدَ الْأَيَّامِ فِيهَا / لِمَنْ هَاضَتْ بُوَادِيهَا أَنْجَبَارًا (بوادئ: مفعول به و منصوب)

۹۹. در کدام گزینه، عبارت فارسی و بیت عربی مطابق هم هستند؟

- (۱) زلف چون نامه گنه کاران: بیضاء يُعْطِيكَ الْقَضِيبَ قوامها/ وَيُرِيكَ عَيْنَيْهَا الْغَزَالَ الْأَحْوَر
- (۲) به اندکی مال غمناک نباید بود: قلیل المال تُصْلِحُهُ فَيَبْقَى / ولا يبقى الكثير مع الفساد
- (۳) کاشکی پیری پایدارستی: فَلَيْتَ الشَّيْبَ إِذْ وَافَى وَفَى لِي / وَلَمْ يَرَحَلْ لِتَوَدِيعِي الْمَطَايَا
- (۴) هر که به درویشی درماند، چاره شناسد از آنکه حجاب حیا از میان برگیرد: فَلَا وَأَبِيكَ مَا فِي الْعَيْشِ خَيْرٍ / وَلَا الدُّنْيَا إِذَا ذَهَبَ الْحَيَاءُ

۱۰۰. کدام گزینه به درستی معنی شده است؟

- (۱) اللَّهُ دَرُّ النَّائِبَاتِ فَإِنَّهَا / صَدَأُ اللَّيْلِ وَصَيْقَلُ الْأَحْرَارِ (= خوشا حوادث سخت و بلاها؛ چرا که آن‌ها زنگار فرومایگان و جلادهنده آزادگان هستند)
- (۲) وَالذَّهْرُ ذُوذُولٍ تَنْقَلُ فِي الْوَرَى / أَيَّامُهُنَّ تَنْقَلُ الْأَفْيَاءِ (= و روزگار دولتهایی دارد که در میان مردم جابه‌جا می‌شوند؛ ایام روزگار هم در میان وفاداران به دنیا جابه‌جا می‌شود)
- (۳) يَشْتَرِي الْحَمْدَ بِأَعْلَى بَيْعَةٍ / وَاشْتَرَاءُ الْحَمْدِ أَدْنَى لِلرَّيْحِ (= ستایش را به گران‌ترین قیمتی می‌خرد، در حالی که خریداری ستایش چندان سودی ندارد)
- (۴) فَإِذَا النِّعِيمُ وَكُلُّ مَا يُلْهَى بِهِ / يَوْمًا يَصِيرُ إِلَى بَلَى وَنَفَادٍ: (= حال که چنین است، نعمت‌ها و هرآنچه بدان لهن و لعب می‌شود و اسباب سرگرمی است، روزی خود بلا و دردسر خواهد شد)

